

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع کنفرانس: ✓ ﴿ بررسی آیات و احادیث در مورد اصحاب و تهمت ارتداد به آن
بزرگوارن ✓

ارائه دهنده: برادر سینا

• ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ قبل از اینکه در مورد اصحاب کلامم را آغاز کنم، چند نکته را خدمت برادران شیعه و سنی عرض می‌کنم و بعد سخنم را آغاز می‌کنم:

﴿الف: قرآن زمانی هداتگر است که انسان متقی باشد.﴾ بدین معنی که خواهان هدایت و حقیقت باشد و از این که به خطا بیافتد ترس داشته باشد.

﴿ب: همچنین کسانی می‌توانند از هدایت قرآن بهره بگیرند که قرآن را بر قول هر کس ترجیح داده و حتی نفس و خواهشهای نفسانی خود را در مقابل دستور قرآن زیر پا می‌گذارد.

﴿ج: خالی شدن از هر پیش فرضی در فهم قرآن تأثیر زیاد دارد. بلکه ما باید تابع قرآن باشیم نه اینکه قرآن را تابع تفسیر و پیش فهم خود کنیم.

• ﴿شروع دعوت رسول الله صلى الله عليه وسلم: رسول الله وقتی دعوتش را با ندای "قُمْ فَأَنْذِرْ" (المذثر/2) خداوند شروع کرد، در مکه تنها بود و دعوتش را بر مردم عرضه می کرد، در این دوره تنها کسانی ایمان می آورند که واقعا دعوت را درست فهمیده باشند، و هیچ داعیه ای جز اطلاع بر موضوع دعوت نمی توانست آنها را به اسلام وادار کند. ✓

﴿چرا که با پذیرش اسلام همه عزیزان خود را از دست داده و متحمل شکنجه های زیادی می شدند، و حتی اموالشان مصادره می شد. لذا نمی شود تصور کرد که کسانی که در اوایل دعوت محمد ایمان آوردند از روی نفاق بود.﴾ لذا خداوند آیات منافقین را در مدینه نازل کرد. ✓

« در مکه همه مؤمنین سعی در انتشار اسلام و استقامت بر آن داشتند گروهی در زیر شکنجه می مردند، و گروهی دست از ایمان می شستند، و گروهی نیز تحمل می کردند یا به ظاهر کفر می ورزیدند اما در دل اسلام را داشتند. (بر خلاف نفاق که به ظاهر ایمان می آوردند اما بر دل کفر نقش بسته بود.)

- از گروهی که ایمان می آوردند هم مردان بودند و هم زنان، هم فقیر بودند و هم تاجر، هم کوچک بودند و هم بزرگ، هم مسؤل بودند هم رعیت، هم آقا بودند هم برده و..... و هم با استعداد و کم استعداد، هم زیبا و هم زشت، گروهی بستگان رسول الله، گروهی دوست و گروهی نیز افراد عادی، پیرو دستور و در مقابل کافران نیز متشکل از همین تفاوتها بودند.

- و هر کسی با توجه به توان و ظرفیتش برای دین خدمت می کرد چنان که تاریخ شاهد است. و مطمئنا اگر یاری اطرافیان و تلاش آنان نبود دعوت رسول الله صلی الله علیه وسلم پر و بال به خود نمی گرفت. لذا خداوند با پذیرش آنان دین را گسترش داد. لذا الله می فرماید: "أَخْرَجَ شَطَأَهُ فِ َآرَزِهِ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوْقِهِ " (الفتح/29) (جوانه های خود را رویانده پس تقویتش کرده تا ستبر و ضخیم شده، و در نتیجه بر ساقه هایش [محکم و استوار] ایستاده است).

« خداوند در این آیه: دعوت رسول الله صلی الله علیه وسلم و نقش افراد اطراف او را به دانه ای تشبیه می کند که جوانه می زند، سپس اطراف آن پوستهای زیادی جمع می شود و باعث قوت ساقه شده تا جاییکه درخت به پا ایستاده و ثمره اش منتشر می گردد. و کفار از انتشار آن بیمناک و غضبناک شده و سعی در آزار و اذیت مؤمنین (ساقه های این درخت تنومند) می کنند. آغاز هجرت

- وقتی رسول الله صلى الله عليه وسلم در مکه با مشکل آزار و اذیت کفار مواجه شد، و گروهی از اهل مدینه به رسول الله صلى الله عليه وسلم پیشنهاد کردند که دعوتش را از آغاز آغاز کند، دعوت را به مدینه انتقال داد. اما کسانی که چنین پیشنهادی را مطرح کردند، نیز هیچ داعیه ای جز شناخت پروردگار آنها را به اینکار وادار نکرد. چرا؟ چون که اینها می دانستند که با این پیشنهاد اولاً: یک غریبی را بر خود می گمارند، و ثانیاً: باهزینه های مادی و معنوی زیادی را متحمل شوند

- جا دادن و اسکان جمعیت زیادی در یک شهر کار خیلی سختی است. خصوصاً زمانی که آنها متوجه شدند که با این کار عرب را علیه خود می شورانند، بهمین خاطر عباس از آنها تعهد گرفت که باید مانند فرزند و خانواده خود از رسول الله صلى الله عليه وسلم دفاع کنید. در مدینه: دعوت رسول الله صلى الله عليه وسلم در مدینه شکل دیگری به خود پیدا می کند و عملاً او رئیس مردم مدینه معرفی شد. و از جهتی کسانی نیز که از پیشنهاد دهندگان نبودند و دین را خوب نمی شناختند مهاجرین را غریب دانسته و حضور رسول الله صلى الله عليه وسلم و مهاجرین برای آنها سنگینی می کرد. برای اینکه اکثریت را راضی کنند در ضمیر کافر ولی برای اینکه در یک جامعه ای که اکثراً از دین سخن می گویند، زشت نشوند ایمان می آوردند این ایمان از روی قلب و دل نبود اما از همین گروه نیز کسانی بودند که می خواستند دعوت رسول الله در مدینه شکل نگیرد چون خودشان را شایسته تر به ریاست می دانستند.

- لذا برنامه های زیادی برای از بین بردن دولت رسول الله صلی الله علیه وسلم شکل دادند که در قرآن از آنان ذکر شده است. از منافقین گروهی بودند که برای خاص و عام مشهور بودند و همه آنها شناخت نداشتند مانند عبدالله بن ابی سلول و گروهی بودند که فقط رسول الله صلی الله علیه وسلم و گروه کمی از یارانی که اطراف رسول الله بودند، آنها را می شناختند و گروهی را فقط خود رسول الله صلی الله علیه آنها را می شناخت و گروهی نیز فقط خداوند از آنان آگاه بود. همه آنها از اهل مدینه بودند

ایمان، و منافقین، کفار قریش و اهل کتاب بودند. اهل کتاب: اهل کتاب فقط در مدینه با رسول الله برخورد داشتند و در مکه هیچ حضوری نداشتند. ذکر اوصاف آنها در قرآن زیاد است چون بحث ما اهل کتاب نیست از آنها می گذریم. کفار قریش: کفار قریش کسانی اند که در مکه دعوت رسول الله صلی الله علیه وسلم را نپذیرفتند، گفتیم در مکه منافقین نبودند چون علت برای نفاق وجود نداشت

مانند اینکه کسی بگوید آنهایی که جبهه رفتند منافق بودند کسی جانش را برای بدست آوردن کالا دنیوی از دست نمی دهد حال اینکه ممکن است وجهی برای آن باشد که دولت برخی را وادار به جبهه رفتن کرده باشد. که در اینصورت رضایت پرودگار در آن نیست. اما در مکه بر عکس، اجبار به عدم پذیرش اسلام بود. لذا تصور اینکه قریشیانی که ایمان آوردند از روی ترس، یا طمع دنیوی، و یا غیره باشد، غیر ممکن است. منافقین و اوصاف آنها

- موضع اتفاق بین امت اسلامی این است که منافقین از اهل مدینه بودند، به چند دلیل:

- اول: سببی برای نفاق در بین اهل مکه وجود نداشت.

- دوم: آیات منافقین همه مدنی هستند و در مدینه نازل شده اند.

- سوم: در قرآن در چند جا که اسم از منافقین برده شده تصریح به اسم مدینه و اعراب اطراف آن شده است.

«تنها موضوعی که ممکن است مشتبه شود فرق بین اصحاب و منافقین است. چرا که یاران همدل و منافقین با هم دیگر در اکثر مناسبت‌های اجتماع شریک بودند. لذا برای شناخت منافقین باید اوصاف آنان را بررسی کنیم. گفتیم منافقین چند دسته بودند

- الف: گروهی که همه مردم آنها را می شناختند مانند عبدالله بن ابی بن سلول که سردهسته منافقین بود حتی پسرش به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: ای رسول الله اگر حکم قتل پدرم از طرف خدا برای شما آمد بگو تا خودم با دست خودم او را بکشم چون نمی خواهم بعد از مرگ پدرم کینه مسلمانی را بدل بگیرم.(یعنی اگر کسی دیگر از مؤمنان پدرم را بقتل برساند ممکن است حب پدری- پسرى باعث شود کینه مؤمنی را بدل بگیرم.) این گروه تعداد زیادی را تشکیل می دادند چون مخالفتهایشان با رسول الله صلی الله علیه وسلم علنی شده بود و برای شرکت در جنگها عذر تراشی می کردند، و سعی می کردند در دعوت رسول الله خلل ایجاد کنند، بر علیه او سخنانی را پخش می کردند، یا در بین جنگ از گروه زیادی از لشکر قبل از شروع جنگ خارج شده تا روحیه مسلمانان را تضعیف کنند. لذا از آنجایی که اعمال آنها شکل اجتماعی به خود گرفته بود، اکثر مؤمنین آنها را می شناختند.

- ب: گروهی که پیامبر و افراد خاصی مانند حذیفه بن الیمان⁴ از آن خبر داشتند. عادت خلیفه دوم این بود که هر گاه حذیفه بر کسی نماز جنازه نمی خواند از صف بیرون می رفت چرا که حذیفه به احوال منافقین آشنا بود. و معروف به صاحب سر رسول الله صلی الله علیه وسلم شده بود. ج: گروهی نیز هستند که فقط رسول الله صلی الله علیه وسلم از آنها خبر داشتند و کسی آنها را نمی شناخت. د: گروهی که هیچ کس از آنها خبر نداشت جز الله.⁵

• اوصاف منافقین: ﴿۹۳﴾

• یکی از مهمترین اوصاف منافقین تخلف ورزید از جهاد و عذرتراشی ها در هنگام جهاد بودند بر خلاف مومنینی حقیقی که اگر مالی نمی یافتند که به جهاد بروند اشک از چشمانشان جاری می شد. وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ [التوبة/90] و عذر تراشان از بادیه نشینان آمدند تا تو به آنها اجازه عدم اجازه شرکت در جهاد را به آنها دهی و کسانی که خدا و رسول الله تکذیب کردند از رفتن بجهاد خودداری کردند.

• ب: تبلیغ علیه رسول الله و تحریک دیگران به عدم همکاری با رسول الله صلی الله علیه وسلم هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَفْضُلُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ [المنافقون/7] آنان کسانی هستند که می گویند: بر کسی اطراف رسول الْمُنَافِقِينَ نکنید تا از اطراف رسول الله دور شوند، ... در حالی که خزائن آسمانها و زمین از آن خداست ولی منافقین آن را درک نمی کنند.

﴿الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ﴾

[التوبة/67] منافقین بعضی از بعضی دیگرند، امر به منکر می کنند و از معروف نهی می کنند..

- ج: عدم استقامت در مقابل سختی های جهاد. وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ [العنكبوت/10] از مردم هستند که می گویند خداوند پروردگار ماست اما هر گاه در را خدا اذیتی به او رسید، فتنه انسانها را مانند عذاب خدا می پندارد، ولی اگر نصر پروردگار فرا رسد می گویند، ما با شما هستیم آیا خداوند از درونها آگاه نیست؟!!

- د: عدم پذیرش حکم خداوند و رسول الله صلى الله عليه وسلم وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا [النساء/61] و هنگامی که به آنها گفته می شود: (به سوی آنچه خدا نازل کرده ، و به سوی پیامبر بیایید، منافقان را می بینی که از قبول دعوت تو اعراض می کنند. وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا [الأحزاب/12] و آن هنگام که منافقین و کسانی که در قلبهایشان مرض گفتند، خدا و رسولش وعده دروغ به ما دادند.

- موضع گیری رسول الله صلی الله علیه وسلم در مقابل منافقین: مطمئنا چنین گروهی اگر در یک جامعه ای باشند رسول الله صلی الله علیه وسلم باید موضع گیری مناسبی در مقابلشان بگیرد تا بتواند حرکت جامعه را به آنجا که خود می خواهد سوق دهد. اگر به آیات قرآن نگاه کنیم موضع گیری مختلفی را در مقابل منافقین مطرح کرده است و این اختلاف نیز بخاطر اختلاف گروه منافقین است. برای مثال: ↓↓↓

الف: جهاد و سختگیری در مقابل اهل نفاق: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبُئْسَ الْمَصِيرُ [التوبة/73] ای پیامبر با کفار و منافقین جهاد کن و بر آنها سخت بگیر و جایگاهشان جهنم است و چه بد بازگشتی است.

ب: عدم اطاعت و پیروی از آنها يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا [الأحزاب/1] ای پیامبر تقوای خدا را پیشه کن و از کافرین و منافقین پیروی نکن و خداوند علیم و حکیم است. وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعِ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا [الأحزاب/48] و از کفار و منافقین پیروی نکن و آزارشان را رها کن و بر خداوند توکل کن و کافیهست که وکیل خداوند باشد.

ج: عدم نماز خواندن بر آنها و ممنوعیت استغفار بر آنان. وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ [التوبة/84] بر هیچ یک از آنها اگر مردند هرگز نماز نگذار و بر قبر آنها نایست. اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ [التوبة/80] برای آنان استغفار بکنی یا نکنی و اگر هم 70 بار استغفار کنی خداوند آنها را نمی آمرزد.

• این بود اوصاف منافقین و موضع گیری رسول الله صلی الله علیه وسلم در مقابل منافقین
اما سؤالی که پیش می آید چرا خداوند اسم منافقین را برای ما ذکر نکرده و به بیان اوصافشان اکتفا کرده است؟

« جواب این است که الله تبارک و تعالی از بندگان می خواهند که اوصاف منافقین را بشناسند و از آن دوری کنند و الله نخواستہ ما را به زندگینامه یک گروهی از افرادی که سالها پیش مرده اند و به سزای اعمالشان رسیده اند، مشغول سازد.

• اما همراهان و همدلان رسول الله صلی الله علیه وسلم و اوصاف آنان در قرآن: ↓↓

• الف: در راه خدا جهاد می کنند. 1- وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (99) وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (التوبة: 99 - 100). "گروهی (دیگر) از عربهای بادیه‌نشین، به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند؛ و آنچه را انفاق می‌کنند، مایه تقرب به خدا، و دعای پیامبر می‌دانند؛ آگاه باشید اینها مایه تقرب آنهاست! خداوند بزودی آنان را در رحمت خود وارد خواهد ساخت؛ به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است. پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت، و آنها (نیز) از او خشنود شدند؛ و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این است پیروزی بزرگ". 6

• 2- الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (20) يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ (21) (التوبة: 20 - 22). "آنانکه ایمان آورده و مهاجرت کرده و در راه خدا با مالها و جانهایشان جهاد کردند درجه‌ی ایشان نزد خدا از همه بزرگتر است و اینانند که رستگاراند، پروردگارشان ایشان را به رحمت خود و خشنودی کامل و بهشتی‌هایی که برای ایشان در آن نعمت‌های با دوام است بشارت می‌دهد که در آن بهشت برای همیشه جاودانند و در نزد کها برایشان پاداش بزرگ است".

• ✓ آیات دیگری با همین عبارات و کلمات از قرآن می‌آوریم: ✓

• 3- إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ [الأنفال/72]

"همانا کسانی که ایمان آورده و مهاجرت کرده و با اموال و جانی‌هایشان در راه خدا جهاد نمودند و همچنین آنانکه جای دادند و نصرت کردند اینان گروهی دوستان گروه دیگرند".

• 4- وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (74) [الأنفال/74]

"و آنانکه ایمان آورده و مهاجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند و کسانی که جای دادند و نصرت کردند اینان حقیقتاً مؤمنی‌اند که برای ایشان آمرزش و روزی بزرگوارانه است".

• 5- لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَحِيمٌ [التوبة/117] "خداوند پذیرفت توبه‌ی پیغمبر و مهاجرین و انصاری را که پیامبر را متابعت کردند و در ساعت دشواری (در جنگ تبوک، مجاهدین از حیث قلت آب و نداشتن مرکب سواری چنان در سختی و شدت بودند که شتران را کشته و به آب معددی آنها اکتفا می‌کردند و یک خرما را چند نفر می‌مکیدند و بر یک شتر چند نفر به نوبت سوار می‌شدند) پس از آنکه نزدیک بود دل‌های فریقی (بعضی) از آنان منحرف و منقلب شود آنگاه خدا ایشان را آمرزید زیرا خدا به ایشان بسیار رؤوف و مهربان است".

• ﴿ در این آیه، خداوند مهاجر و انصار را در ردیف پیغمبر خود آورده و مشمول رحمت خویش می‌شمارد تا معلوم شود که مقام مهاجر و انصار تا چه اندازه‌ای است.

6- كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ [آل

عمران/110] "شما بهترین امتی هستید که در میان مردم ظاهر شده‌اید امر به خوبی‌ها کرده

و از بدی‌ها نهی می‌کنید و به خداوند ایمان دارید". ﴿طوسی گفته است که این آیه را

مفسرین به اختلاف تفسیر کرده‌اند، گروهی گفته‌اند اینان کسانی هستند که با رسول خدا

هجرت کردند (مهاجرین به مدینه) و ابن عباس و سایر اصحاب و پاره‌ای از مفسرین

گفته‌اند: عموم اصحاب رسول خدا (7). به هر حال اینان به قول خدای جهان بهترین امت هستند ✓

7- هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا [الفتح/4] لَقَدْ رَضِيَ

اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا [الفتح/18] إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمْ

الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

[الفتح/26] مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي

التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا

عَظِيمًا [الفتح/29]

«در این آیات که خداوند اصحاب رسول را بدین گونه مدح می‌فرماید که خدا در قلوب این مؤمنین سکینه و آرامش را نازل می‌کند تا ایمانشان زیاد شود و از آنان اظهار رضایت و خوشنودی می‌نماید که در زیر درختی با رسول خدا بیعت کردند زیرا خداوند دانسته است که چه نیتی در دل ایشان است و آنان را می‌ستاید که با رسول خدا بوده و بر کفار سختگیر و شدیدند اما بین خودشان مهربانند، راکع و ساجدند جویای فضل الهی و رضوان او هستند ...

ب: در مقابل سختی جهاد ایمانشان ازدیاد می‌شود. 8- این آیهی شریفه که دربارهی مؤمنین و مجاهدین حمراء الأسد آمده است و می‌فرماید: **يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ (171) الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ (172) الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (173) فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانِ اللَّهِ وَاللَّهُ نُورٌ فَضْلٍ عَظِيمٍ [آل عمران/171-174]** "مؤمنان نیکوکار و با تقوایی که خداوند و رسولش را حتی پس از اینکه زخم برداشتند، اجابت کردند، پاداشی بزرگ دارند و خداوند پاداش آنان را تباه نمی‌سازد، همانان که چون به ایشان گفته شد بترسید از مردمی که برای جنگ با شما گرد آمده‌اند، ایمانشان افزون گشت و به نعمت و فضل الهی بازگشتند و بدی ایشان را نرسید و خوشنودی خدا را پیروی کردند و خداوند دارای فضل عظیم است

• ج: شوق عبادت دارند: 9- إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ
لِّأُولَى الْأَلْبَابِ [آل عمران/190] الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي
خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (191/ آل
عمران) فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ
فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَآخَرُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوْدُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ
وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ [آل عمران/195].

«به راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز هر آینه برای خردمندان نشانه‌هاست، آنان که
ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده، خدا را یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین اندیشه می‌کنند پس آنان که هجرت کرده
و یا از دیارشان رانده شده و در راه من آزار شدند و جنگیدند و کشته شدند هر آینه بدیهایشان را بیوشانم و آنان را به
بوستان‌هایی در آورم که از زیرشان رودها روان است که این پاداشی از خداست و در نزد خدا ثواب‌های نیکوست". طوسی در تفسیر این
آیات در کتاب "التبیان" می‌گوید: "طبری گفته است که این آیه مختص به کسانی از اصحاب پیغمبر است که از وطن و خانواده‌ی خود
مهاجرت کرده و از اهل شرک مفارقت کردند و سایر پیروان رسول خدا که در یاری مؤمنان بر دشمنان‌شان تعجیل کرده و به خداوند راغب
بودند.

• د: اهل صدقند و به مقتضای آنچه آوردند عمل می کنند. **الْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (8)** وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (9) [الحشر/8، 9] "مهاجران تهیدستی که از دیارشان و اموالشان رانده شدند در حالی که جویای فضل و خشنودی خدا، و پیامبرش را یاری می کردند آنان در ادعای ایمان راستگویند و آنان که پیش از مهاجرین در سرای هجرت و ایمان جای گرفتند و کسی را که به سویشان هجرت کند دوست می دارند و در دل خود نیازی به آنچه که به آنان داده می شود، نمی یابند و آنان گرچه خود نیازمند باشند، بر خویش مقدم می دارند و هر که از بخل خود محفوظ ماند پس همانان رستگاران".

﴿آیات بسیاری در مدح همیاران و همدلان رسول الله صلی الله علیه وسلم وارد شده است که در این مقاله نمی گنجد کافی است دوستان به آیات قرآن مراجعه کند. این آیات نشان می دهد که: ﴿﴾ ﴿﴾

• ﴿اولا: صفات این گروه دقیقا بر عکس صفات منافقین است، چرا که منافقین از جهاد دوری کرده، امر به منکر کرده و از معروف نهی می کردند، بر علیه رسول الله تبلیغ می کردند و جان و مالشان را برای خداوند هزینه نمی کردند و در عبادت سستی داشتند اما بر عکس آنان مومنی جهاد را دوست داشته و امر به معروف کرده و از منکر نهی می کردند و جان و مالشان در راه خدا هزینه می کردند و عبادت برای آنان گوارا بود.

• ثانیا: گروهی از مردم مکه و مدینه به دعوت رسول الله لبیک گفتند و با صداقت تام آن را پذیرفته و در زندگی خود پیاده نمودند لذا الله رضایت خود را از آنها اعلان نمود. موضع رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد همدلان و همراهانش: مطمئنا رسول الله برای اداره جامعه و پیشبرد اهدافش در دعوت اسلامی از هر یک از توانایی های اطرافش درست استفاده می کرد. و این تفاوتها را نیز خوب می شناخت. و خداوند نیز رسول الله را در این مسیر کمک می کرد و گاهی برای رسول الله آیاتی در مورد آنان نازل می شد. اگر بخواهیم موضع گیری رسول الله را در مورد اطرافیانش ذکر کنیم چنین می شود.

« الف: دوستی و موددت با اهل ایمان و همکاری با آنان:

• خداوند به رسول الله دستور می داد که مؤمنین و مسلمانان واقعی را از خود دور نکند و از آنها فاصله نگیرد. بر خلاف منافقین و کفار الله می فرماید: وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ .. [الأنعام/52] و کسانی که پروردگارشان را صبحگاهان و شامگان با اخلاص می خوانند، از خود دور مکن. این وظیفه هر پیامبری بود. خداوند در مورد نوح می فرماید: ...وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ .. (29) وَيَا قَوْمِ مَنْ يُضِرُّنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ [هود/29، 30] و من نمی توانم کسانی که ایمان آوردند را طرد کنم چرا که آنها الله را ملاقات می کنند. و ای قوم چه کسی در مقابل خداوند مرا نصرت می دهد اگر آنها را از خود دور کردم. ایا متذکر نمی شوید؟

• ﴿ هَمَّچنین می فرماید: فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ ...[آل عمران/159] بخاطر رحمت و لطف پروردگار تو با آنان به نرمی برخورد می کنی و اگر تروشرو و سنگدل بودی (مؤمنین) از اطرافت پراکنده می شدند. ✓

«عَب: مشورت با آنان و گذشت از خطاهای آنان:

- رسول الله مأمور بود با اصحاب در اموری که به همه مشترک است مشورت کند اگر چه رای خودش چیزی دیگر بود، این زمانی بود که دستور خداوند بر امری قطعی نشده بود.

- خداوند می فرماید: ...فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ [آل عمران/159] از اشتباهات آنان بگذر، و از خداوند برای آنان طلب آمرزش کن و آنان را در امور مشورت ده سپس اگر قصد کردی بر الله توکل کن چرا که الله متوکلین را دوست دارد.

ج: دعا بر آنان و گرفتن زکات از آنها:

- خداوند در مورد مسلمانانی که هنوز قوت ایمانشان آن قدر بازدارنده نیست خطاب به رسول الله می فرماید: خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ [التوبة/103] از اموالشان مقداری مال به عنوان صدقه بگیر تا آنها بدان وسیله از گناه پاک شوند و بر آنان دعا بخوان چرا که دعای تو آرامشی است برای آنان و خداوند سمیع و علیم است.

« این گروه با این اوصاف کسانی هستند که نزد اهل سنت به اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم مشهورند لذا کسانی که منافقین بودند و زیر آیات منافقین وارد می شدند اسم اصحاب به او تعلق نمی گیرد.

« در بین این افراد نیز سلايق، استعداد، هوش و توانهای مختلفی بود. و هر کس در زمینه ای استعداد خاصی داشت، یکی در تاکتیک جنگی، یکی، قراءت قرآن، یکی در تیراندازی یکی در اسب سواری، یکی در فهم و دانش میراث، یکی در قضاوت، یکی در جامعه شناسی قبائل. و..... مردان و زنان، کوچک و بزرگ و... و گروهی نیز در چند چیز، یکی کمتر و یکی بیشتر، هر یک به اوصافی مشهور بود.

- رسول الله صلی الله علیه وسلم به یکی می گفت: تو مانند هارونی، به یکی می گفت: تو مانند ابراهیم، به یکی می گفت تو مانند نوح، به یکی میگفت: در تو حلم می بینم و صبر، به یکی می گفت. امین است. به یکی می گفت صادق است. رسول الله صلی الله علیه وسلم هر کس را برای استعدادی که در آن می دید به کار می گماشت. و این بود رمز موفقیت رسول الله صلی الله علیه وسلم به همه این استعدادها رنگ خدایی داد و از آنها در راه خدا استفاده می کرد. وقتی خالد مسلمان شد.

- رسول الله صلى الله عليه وسلم او را فرمانده جنگ کرد، اگر خطایی از آنان سر میزد به آنان تذکر می داد و اگر اشتباهی رخ می داد توضیح می خواست. و ، وقتی در جنگ بدر در مقابل کفار قریش افراد لایق انتخاب کرد و فرمود؛ حمزه، علی، شما بروید. وقتی در جنگ احد نزدیک به شکست بود به سعد گفت تیر ببانداز و در این مدت نیز گروه های تازه مسلمان برایشان احکام مطرح می شد حتی برای گذشتگان از مؤمنین احکام جدیدی می آمد آنها در حد استطاعت خود از آن دوری می کردند یا به آن چنگ می زدند. بعضی اوقات کم می آوردند، و گاهی در عین انجام گناه توبه می کردند، (بخاطر اینکه طولانی نشود از ذکر مثال خود داری می کنم) و گاهی برخی افراد چنان از خود شجاعت نشان طولانیند که مورد تمجید رسول الله قرار می گرفته و حتی خداوند نیز آنان را تمجید می کرد. این جمع کسانی بودند که توانستند دولت اسلام را بر ساقش بپا دارند.

- مشکلاتی پیش می آمد، بین زن و شوهر، بین خانواده ها ، و حتی در خانواده خود رسول الله. یا بین رسول الله و اصحاب(در صلح حدیبیه) اما هم اینها در یک جامعه ایمانی اتفاق می افتد، چرا که آنها در آزمون و خطا می افتند و آنها بشرنده، (از پیامبران در قرآن خطای زیادی نقل شده حتی از خود رسول الله) لذا آیاتی می آمد و آنها را تصحیح می کرد، گوشزد می کرد، تذکر می داد. راهنمایی می کرد، و و وظیفه مؤمن برگشت به خدا و تقوی است. این ویژگی خاص مؤمنین بود که می خواستند مورد مرضی خدا قرار بگیرند لذا هر وقت دستور خدا بود سکوت کرده و کرنش نشان می دادند. مؤمن کسی نیست که اصلا خطا نکند بلکه مؤمن کسی است که در خطا نمی ماند.

• لذا خداوند در وصف متقین می فرماید: "وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ" (آل عمران/135) منافقین و اهل کتاب نیز در کنار آنها کار خود را می کردند. و هر جا لازم بود اقدامات تخریبی علیه دولت رسول الله انجام می دادند. و رسول الله با دستور خداوند یا اجتهاد شخصی با آنها مقابله می نمود. آیات قرآن در این مدت نازل شد و برای این جامعه از اول دعوت تا آخر آن در حوادث مختلف نازل می شد. و هدایت‌های مورد نظر را بیان می کرد.

« حال سؤال پیش می آید آیا امکان دارد که اصحاب دست از ایمان بکشند یا کم بیارند و دنیا آنان را بفریبند؟؟ »

(1) وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ... [التوبة/99] از (بادیه نشینان کسانی هستند که به خدا و روز قیامت ایمان می آورند.... (2) الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا ... [التوبة/97] بادیه نشینان کفر و نفاقشان بیشتر است. (3) قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ [الحجرات/14] اعراب گفتند ما ایمان آوردیم بگو شما ایمان نیاوردید، ولی بگویید ما تسلیم شدیم و ایمان در قلب شما داخل نشده است.

- (4) قال: يا أمير المؤمنين فأخبرني عن حذيفة بن اليمان. قال: ذاك امرؤ علم أسماء المنافقين بحار الأنوار - (ج 1 / ص 321) گفت ای امیر المؤمنین در مورد حذیفه به من خبر به گفت: او شخصی است که به اسم منافقین آگاه است. از کتب شیعه ذکر کردم چون بین اهل سنت معروف است و نیاز به ذکر دلیل نیست. (5) وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ [التوبة/101] و از کسانی که اطراف شما (در مدینه) از بادیه نشینیان منافق هستند و از اهل مدینه نیز هستند که بر نفاق تمرین کردند بگونه ای که تو آنها را منافقناسی (ولی) ما آنها را می شناسیم.

(6) طوسی در تفسیر این آیات می نویسد که اینان مهاجرینی هستند که سبقت به ایمان گرفته و از مکه به مدینه یا به حبشه مهاجرت کردند. (التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ سنگی، 1/854). (7) تفسیر التبیان، چاپ سنگی، 1/346.

« رای جواب به این سؤال باید بگویم آری ممکن است. و هیچکس حتی پیامبران از این امکان مستثنی نیستند. چرا که خداوند به رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: لَئِنْ أَشْرَكَتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ [الزمر/65] اگر شرک بیاری عملت احباط می شود و از جمله خاسرین خواهی شد.

- یا در جایی دیگر می فرماید: وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ (44) لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (45) «الحاقه» و اگر [او] پاره ای از گفته ها را به دروغ بر ما می بست، (44) ما او را به شدت می گرفتیم، (45) و این امکان باعث می شود که مؤمن بین خوف و رجاء زندگی کند و هر لحظه بترسد از اینکه خدایی ناکرده مورد غضب خدا قرار بگیرد و فکر کند همه عذابهای کافران ممکن است شامل او هم بشود این نگاه در انسان مؤمن خوف ایجاد می کند، و از طرفی دیگر از این که از اهل ایمان است و عمل صالح انجام می دهد خوشحال است که خدا او را به بهشت وعده داده است.

« لذا ما در سیرت انبیاء و بزرگان می بینیم که ایشان همیشه اظهار پشیمانی از گناه می کردند و تقصیر کوچک خود را بزرگ می پنداشتند چنان که رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: انسان مؤمن گناهش را به مانند کوهی می بیند که بر روی او فرو می ریزد و منافق گناهش را به مانند پشه ای می بیند که از دماغش دور می کند.

- علی می فرمود: ای کاش پر کاهی در دهان مورچه بودم. این بخاطر تحقیر خودش نمی گفت بخاطر ترس از سختی عذاب قیامت چنین به زبان می آورد. لذا ممکن است مومن بلغزد و ممکن است بعد از لغزش توبه کند و ممکن است توبه نکند و در همان حال بمیرد. مثالش صحابه ای بود که در جنگ تاب درد خنجر نیاورد قبل از اینکه بمیرد خود کشی کرد. و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: او به جهنم می رود.

- اما امکان ارتداد با واقعیت ارتداد تفاوت بسیار دارد. برای مثال آیا امکان دارد انقلاب ایران زاینده سیاستهای انگلیس باشد؟ بلکه امکان دارد اما واقعیت دارد؟ آیا امکان دارد فوت خمینی بدست خامنه ای صورت گرفته باشد؟ بلکه امکان دارد اما واقعیت دارد؟ آیا امکان دارد بوش و ایران همدست شده باشند برای از بین بردن اعراب؟ بلکه اما واقعیت دارد؟

«﴿ آیا امکان دارد بوش و ایران همدست شده باشند برای از بین بردن اعراب؟ بلکه اما واقعیت دارد؟ آیا امکان دارد کسانی که الان در حکومت ایران ریاست می کنند از اهداف انقلاب غافل شدند؟ امکان دارد اما واقعیت دارد؟ و امثال آن مثال های زیادی است. من مثال از کشور مان زدم بخاطر اینکه ما ایرانی هستیم ولی مثالهای دیگری هم وجود دارد مانند؛ آیا امکان دارد القاعده نیروی امریکا باشد؟ ولی آیا واقعیت دارد؟ و این از یک جهت و از جهت دیگر تعیین افرادی که مرتد شدند نیز یک مسأله دیگر است.

- لذا ما برای وقوع این ارتداد نیاز به دلیل داریم دلیلی که واقعا دلیل باشد مانند قرآن یا

سنت صحیح. در قرآن کریم ارتداد اصحاب را به دو صورت مطرح کرده است. یکی

بصورت سؤالی و دوم بصورت گزاره خبری و شرطی. خداوند می فرماید: أَفَأِنْ مَاتَ أَوْ

قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ [آل

عمران/144] اگر رسول الله وفات کرد یا کشته شد، آیا شما به عقب بر می گردید؟ و کسی

که به عقب در گردد ضرری به خداوند نمی رساند و خداوند جزای شاکرین را خواهد داد.

﴿در آیه دیگر خداوند می فرماید: وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ

أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ [البقرة/217] و کسی از شما اگر

از دین برگشت و سپس مرد او کافر است پس آنها تمام اعمالشان در دنیا و آخرت باطل شده و

آنها اصحاب آتش خواهند بود و در آن جاویدان می مانند.﴿

- در این دو آیه این دلیل امکان است نه دلیل وقوع همانطور که خداوند به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ

[الزمر/65] اگر شرک بیاری عملت احباط می شود و از جمله خاسرین خواهی شد. یا در آن آیه ای که خداوند خطاب به رسول الله فرمود: وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقْوِيلِ

(44) لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (45) ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ [الحاقة/44-46] و اگر [او] پاره ای از گفته ها را به دروغ بر ما می بست، (44) ما او را به شدت می گرفتیم، (45)

رگ گردنش را قطع می کنیم.

#پایان_قسمت_اول....